



A Reflection on the Punishment Selection for the Crime of 'Moharebeh' from the Perspective of the Holy Qur'an¹

Gholamreza Peyvandi¹  Hojjatollah Fathi² 

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Research Institute of Islamic Systems, Institute of Culture and Islamic Thought, Qom, Iran (Corresponding Author).

peyvandi@iict.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Research Institute of Islamic Systems, Institute of Culture and Islamic Thought, Qom, Iran.

fathi@iict.ac.ir



Abstract

Today, one of the issues in academic and public arenas in Iranian society is the methods and types of selecting punishments for the crime of moharebeh (refers to a specific crime in Islamic law, often interpreted as waging war against God or spreading corruption on Earth). The legislator, during the process of law-making after the Islamic Revolution of Iran, has shown a greater inclination towards the discretionary view in choosing among the four types of punishments for moharebeh in the laws. This article, using a descriptive-analytical method and focusing on the verses of the Qur'an and the narratives concerning moharebeh, criticizes the legislator's approach. It emphasizes that the opinion advocating for order or proportionality between the crime and the punishment for moharebeh can be inferred from Qur'anic and narrative evidence and is, in fact,

1. **Cite this article:** Peyvani, Gh. R., & Fathi, H. (2024). A Reflection on the Punishment Selection for the Crime of 'Moharebeh' from the Perspective of the Holy Qur'an. *Journal of Fiqh*, 31(117), pp. 137-166. <https://doi.org/10.22081/jf.2024.67431.2711>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:**25/09/2023 • **Revised:**18/03/2024 • **Accepted:**18/03/2024 • **Published online:**21/07/2024

© The Authors



consistent with the Qur'anic verses. The most important achievement and innovative aspect of this article compared to other writings is, firstly, that the apparent meaning of the verse on moharebeh concerning discretion is disputable. Some prominent scholars, including Outb al-Din al-Rawandi and Allameh Helli, believe that the verse indicates a sequential order. **Secondly, multiple verses of the Qur'an support the principle of proportionality**, which clarifies or removes any ambiguity from the verse on moharebeh. The verse on moharebeh cannot be interpreted contrary to **the apparent meaning of numerous other Qur'anic verses**. **Thirdly, the verses indicating the necessity of proportionality between crime and punishment are exempt from any limitation or restriction**. As some commentators explicitly state, the lack of proportionality between crime and punishment is considered injustice, and injustice is both rationally and legally forbidden (haram). Fourthly, the verses and narratives indicating the necessity of proportionality between crime and punishment are explicit texts (nass), whereas the verse on moharebeh (assuming it indicates discretion) and the narratives indicating discretion are apparent (zahir); and explicit texts are prioritized over apparent ones. Fifthly, the desirability of adhering to proportionality between the crime of moharebeh and its punishment is unanimously agreed upon by all jurists, and none of them consider a ruling that observes proportionality between crime and punishment to be contrary to Sharia. In contrast, failing to observe **proportionality in moharebeh is, according to the most jurists' opinion, against Sharia**.

Keywords

Crime of Moharebeh, Verse of Moharebeh, Proportionality of Crime and Punishment, Punishment of Moharebin, Discretion in Punishment.

تأملی در کیفرگزینی جرم محاربه از منظر قرآن کریم^۱

ID غلامرضا پیوندی^۱ ID حجت الله فتحی^۲

۱. استادیار، گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)
peyvandi@iict.ac.ir

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق پژوهشکده نظام‌های اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.
fathi@iict.ac.ir



چکیده

امروزه یکی از مسائل مطرح در مجامع علمی و عمومی جامعه ایرانی، شیوه‌ها و انحای انتخاب کیفر برای جرم محاربه است. قانون‌گذار نیز در طول قانون‌گذاری پس از انقلاب اسلامی، تمایل بیشتری به دیدگاه تخییری بودن کیفرهای چهارگانه محارب در قوانین داشته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با تمرکز بر آیات قرآن و روایت‌های باب محاربه به نقد رویکرد قانون‌گذار پرداخته است و بر این نکته تأکید می‌کند که قول بر ترتیب یا رعایت تناسب میان جرم و کیفر محاربه، از ادله قرآنی و روایی قابل استنباط، بلکه با آیات قرآن موافق است. مهم‌ترین دستاورد و جنبه نوآوری این مقاله نسبت به نوشته‌های دیگر این است که اولاً، ظهور آیه محاربه در تخییر محل خلاف است و برخی از بزرگان از جمله قطب‌الدین راوندی و علامه حلی معتقدند آیه دال بر ترتیب است؛ ثانیاً، آیات متعدد قرآن موافق رعایت تناسب است که رافع اجمال یا ابهام آیه محاربه است و آیه محاربه را نمی‌توان برخلاف ظهور آیات متعدد قرآن تفسیر کرد؛ ثالثاً، آیات دال بر لزوم رعایت تناسب میان جرم و مجازات آبی از تخصیص و تقیید است؛ چون به تصریح برخی از مفسران رعایت نشدن تناسب بین جرم و مجازات ظلم است و ظلم دارای حرمت عقلی و شرعی است؛ رابعاً، آیات و روایات دال بر لزوم تناسب میان جرم و

۱. **استاد به این مقاله:** پیوندی، غلامرضا و فتحی، حجت الله. (۱۴۰۳). تأملی در کیفرگزینی جرم محاربه از منظر قرآن کریم فقه، ۳۱(۱۱۷)، صص ۱۳۷-۱۶۶.
<https://doi.org/10.22081/jf.2024.67431.2711>

* نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان
□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱



مجازات نص است و آیه محاربه (بر فرض پذیرش دلالت بر تخییر) و روایت‌های دال بر تخییر ظاهر است و نص مقدم بر ظاهر است؛ خامساً؛ مطلوبیت عمل به رعایت تناسب بین جرم محارب و مجازات در محاربه مورد اتفاق همه فقیهان است و به نظر هیچ کدام حکمی با رعایت تناسب جرم و مجازات برخلاف شرع نیست؛ برخلاف آنجا که تناسب جرم و مجازات در محاربه رعایت نشود، که طبق نظر مشهور، خلاف شرع است.

کلیدواژه‌ها

جرم محاربه، آیه محاربه، تناسب جرم و مجازات، مجازات محاربین، تخییر در مجازات.



به طور کلی شارع و هر قانون گذاری در مرحله جرم انگاری یک رفتار، بر اساس اصول و معیارهایی، کیفری مناسب برای جرم مورد نظر انتخاب می کند. در نظام جزایی اسلام برخی از موارد در قلمرو حدود شارع مقدس نوع و میزان کیفر را معین می کند. در جرایم حدی قانون گذار شیوه هایی را برای تعیین کیفر در نظر داشته است. در بیشتر موارد حدود، یک نوع کیفر به میزان و کیفیت مشخص در نظر گرفته است؛ اما در برخی جرایم خاص مثل سرقت و محاربه شیوه متفاوتی را در پیش گرفته است. در جرم سرقت بسته به اینکه در مرتبه اول باشد یا دوم و...، نوع خاصی از کیفر را معین کرده است. اما در جرم محاربه همزمان چهار کیفر را پیش بینی کرده است. به صورت کلی و فی الجمله اصل مجازات محاربه مورد اتفاق فقیهان اسلام اعم از امامیه و اهل تسنن است و با توجه به آیه ۳۳ سوره مائده، اختلافی در آن نیست؛ ولی هم در تعریف محاربه و هم در مجازات محارب از جهت مخیر بودن قاضی در انتخاب یکی از مجازات های چهارگانه یا لزوم رعایت ترتیب در میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد.

در این مقاله با روش کتابخانه ای و توصیفی-تحلیلی، مجازات محاربه از حیث تخییری یا ترتیبی بودن یا رعایت تناسب در انتخاب کیفر با تأکید بر آیات قرآن بررسی شده است. موضوع محل بحث که در شیوه کیفر گذاری محاربه از طرف شارع مقدس منحصر است، از این حیث اهمیت دارد که کیفر محارب از مرتبه شدید (اعدام) تا مرتبه خفیف نفی بلد (تبعید) در نظر گرفته شده است. مسئله محوری این پژوهش این است که آیا قاضی در تعیین کیفر برای مرتکب مختار است (نظریه اختیار قاضی در انتخاب یکی از موارد چهارگانه) یا باید بر اساس نوع جرم ارتكابی تعیین کیفر کند (نظریه تنويع یا ترتیب)؟ اگر فرض اول باشد، آیا لازم است اصل تناسب جرم و مجازات را رعایت کند یا رعایت تناسب جرم و مجازات لازم نیست؟ در فرض دیدگاه ترتیب، کیفیت ترتیب به چه صورتی است؟ روش بحث، نقلی و عقلی با تمرکز بر آیات قرآن و با شیوه توصیفی تحلیلی می باشد.

گفتنی است در بحث تخییری یا ترتیبی بودن مجازات محارب، تمرکز نوشتار حاضر

بر تناسب میان جرم و مجازات است؛ هرچند با توجه به این تناسب می‌توان در کاربرد دوم به بحث تناسب مجازات و مرتکب جرم نیز پرداخت که نوشتار در صدد پرداختن به آن نیست. البته به نظر می‌رسد شارع مقدس در جرایم حدی، جایگاه و شخصیت مرتکب جرم را در نظر گرفته، مواردی مانند عفو و آثار توبه را به دقت مشخص کرده است؛ همچنین در نظریه ترتیبی می‌توان حالت خطرناکی مرتکب و نوع جرم ارتكابی را با هم در نظر گرفت؛ هرچند تمرکز این نوشته بر رعایت تناسب میان جرم ارتكابی و تعیین کیفر است.

اصل این بحث پیشینه بسیار طولانی در منافع فقهی و تفسیری دارد و در همه کتاب‌هایی که درباره حد محاربه نوشته شده است، این موضوع نیز مورد بحث بوده است. در مقالات سال‌های اخیر نیز می‌توان به مقالاتی از جمله: (محبوبی زرگریان و فاطمی‌نیا، ۱۳۹۶)؛ (شاکر اشتیجه و روستایی صدرآبادی، ۱۴۰۰) و (مجاهد و دیگران، ۱۴۰۱) اشاره کرد. هرچند نتیجه این مقاله با برخی از مقالات یادشده مشترک است، اما نوآوری این مقاله بیشتر در استدلال‌های مطرح‌شده و نوع برداشت از آیات و روایات است و تمرکز اصلی نیز در اینجا بیشتر بر جنبه قرآنی آن است که پرننگ‌تر و ادله آن نیز جامع‌تر است.

۱. سیر تطور کیفر محارب در نظام کیفری ایران

اولین بار در مجازات محاربه در ماده ۲۰۲ قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ وارد حقوق کیفری ایران شد و ماده مزبور مقرر می‌داشت: «حد محاربه و افساد فی الارض ۱. قتل؛ ۲. آویختن به دار؛ ۳. قطع دست راست و پای چپ؛ ۴. تبعید [است]. انتخاب هر یک از این امور چهارگانه به اختیار قاضی است؛ ولی در صورتی که اجرای بعضی از مجازات‌ها دارای مفسده‌ای باشد، نمی‌تواند آن را انتخاب نماید؛ خواه کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته باشد و خواه هیچ‌یک از این کارها را انجام نداده باشد».

در این ماده تصریح شده است انتخاب هر یک از این امور چهارگانه به اختیار قاضی

است؛ ولی در صورتی که اجرای بعضی از مجازات‌ها دارای مفسده‌ای باشد، نمی‌تواند آن را انتخاب نماید. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز قانونگذار دیدگاه تخییر را انتخاب کرده بود و ماده ۱۹۱ ق.م.ا. مقرر می‌داشت: «انتخاب هر یک از این امور چهارگانه به اختیار قاضی است؛ خواه محارب کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته باشد و خواه هیچ‌یک از این کارها را انجام نداده باشد». در لایحه ارسالی قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۵ دیدگاه ترتیب اختیار شده بود و در ماده ۵-۲۲۸، لایحه ارسالی قانون مجازات اسلامی آمده بود: «حد محاربه به شرح زیر است:

۱. هرگاه محارب کسی را کشته باشد، مجازات او قتل است؛
 ۲. هرگاه محارب مرتکب یکی از جرایم منافی عفت که موجب حد است گردد، علاوه بر اجرای آن محکوم به قتل است؛
 ۳. هرگاه محارب مالی را برده یا اتلاف کرده باشد، کیفر وی قطع دست راست با پای چپ است؛
 ۴. هرگاه محارب کسی را مصدوم یا مجروح کرده باشد، حسب مورد به قصاص یا دیه و نفی بلد یا قطع دست و پا، به نحوی که ذکر شد، محکوم می‌شود؛
 ۵. هرگاه محارب مردم را فقط ترسانده باشد و مالی را نبرده و کسی را مجروح نکرده باشد، مجازات او فقط نفی بلد (تبعید) است.
- کمیسیون حقوقی مجلس ترتیب را به این نحو پذیرفت؛ ولی اصل تناسب میان جرم ارتكابی و مجازات محارب را پذیرفت و در ماده ۲۸۴، لایحه قانون مجازات اسلامی ارسالی مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان آمده بود: «انتخاب هر یک از این امور چهارگانه با رعایت تناسب به اختیار قاضی است». شورای نگهبان بر این ماده اشکال گرفت. در اشکال شماره ۵۲ شورای نگهبان به این ماده آمده است: «ماده ۲۸۴ از این جهت که مشخص نیست آیا مقصود از «با رعایت تناسب» همان ترتیبی است که در روایات آمده یا خیر؟ ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد». کمیسیون حقوقی مجلس برای رفع اشکال شورای نگهبان، قید «با رعایت تناسب»

را حذف کرد و در نهایت ماده ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به این صورت تصویب شد که «انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۲ به اختیار قاضی است»؛ بنابراین قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مانند قوانین پیشین، دیدگاه تخییر را انتخاب کرد.

۲. دیدگاه‌های فقهی در مجازات محارب

بنابر دیدگاه مشهور دو دیدگاه تخییر و ترتیب یا تنويع در این موضوع وجود دارد، ولی با ملاحظه آرای فقیهان می‌توان گفت سه دیدگاه در اینجا وجود دارد؛ چون قائلان به تخییر به دو گروه تقسیم می‌شوند: برخی قائلان به تخییر رعایت تناسب میان جرم و مجازات را لازم می‌دانند.

۲-۱. مخیربودن قاضی در انتخاب یکی از مجازات‌های چهارگانه

بر اساس این دیدگاه قاضی در انتخاب یکی از مجازات‌های چهارگانه صاحب اختیار است و فرقی نمی‌کند محارب کسی را کشته باشد یا مجروح کرده و مالی را برده باشد یا تنها موجب اخافه شده باشد؛ یعنی اگر محارب کسی را کشته باشد، قاضی می‌تواند او را تبعید کند و اگر فقط اخافه کرده و موجب آسیب جانی یا مالی هم نشده باشد، قاضی می‌تواند او را به اعدام محکوم کند.

فقیهانی همچون شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۸۰۴)، شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹۶ و صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۴۵۰)، دیلمی (دیلمی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۳)، علامه حلی (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، صص ۵۰۵ و ۵۰۷) محقق حلی (حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، صص ۹۵۹ و ۹۶۰)، طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۲۰۸)، امام خمینی (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۹۳)، مرعشی نجفی (مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۷۶) و سبزواری (سبزواری، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۱۲۴) این دیدگاه را اختیار کرده‌اند.

به تصریح برخی از قائلان این دیدگاه، بهتر است قاضی تناسب جرم و مجازات را رعایت کند و با توجه به جنایت ارتكابی، یکی از مجازات‌های چهارگانه را انتخاب کند. امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: اقوی در حد محاربه این است که قاضی در

انتخاب قتل، صلب، قطع و نفی بلد مخیر است؛ ولکن اولی این است که قاضی در انتخاب مجازات، جنایت ارتكابی را ملاحظه کند و اگر محارب کسی را کشت قتل یا صلب را انتخاب کند و اگر مالی را برد، مجازات قطع دست و پا را انتخاب کند و اگر تنها موجب ارباب شد، مجازات نفی بلد (تبعید) را انتخاب کند (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۹۳).

آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری نیز می نویسد: حد محارب تخیر حاکم بین قتل، صلب، قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد است و مراعات انتخاب مجازاتی که تناسب با جنایت ارتكابی محارب داشته باشد بهتر است؛ پس اگر محارب کسی را کشت، قتل یا صلب را انتخاب کند و اگر مالی را برد، مجازات قطع دست و پا را انتخاب کند و اگر تنها موجب ارباب شد، مجازات نفی بلد (تبعید) را انتخاب کند (سبزواری، بی تا، ج ۲۸، ص ۱۲۴).

بر اساس این دیدگاه قاضی مخیر به انتخاب است که یکی از مجازات‌های چهارگانه را برگزیند؛ یعنی استنباط این گروه از فقیهان از روایات و آیه قرآن همین حکم است؛ هر چند برخی در ادامه اولویت را در رعایت تناسب می دانند. واضح است که الزامی در رعایت این اولویت وجود ندارد. به نظر می رسد این دیدگاه با توجه به فاصله زیاد میان کیفرهای چهارگانه از نظر شدت کیفرها، قابل تأمل است و شاید بر همین نکته فقیهانی در این دیدگاه اولویت را در رعایت تناسب دیده اند.

۲-۲. مخیر بودن قاضی در انتخاب یکی از مجازات‌های چهارگانه با لزوم رعایت تناسب

مجازات با جرم

به نظر برخی از فقیهان، قاضی در انتخاب هر یک از مجازات‌های چهارگانه مخیر است؛ ولی این مخیر بودن دلبخواهی نیست و لازم است قاضی تناسب جرم و مجازات را رعایت کند. آیت الله موسوی اردبیلی در این خصوص می نویسد: «و علی هذا فالأقوی عندنا تخیر الحاکم بین الأمور المذكورة فی الآیة الشریفة إذا تحقّق موضوع المحاربة، سواء أخذ المال أو جرح أو قتل شخصاً أم لا... لا بدّ للحاکم أن یلاحظ العقوبات

المذكورة في الآية الشريفة شدّة وُضعفًا مع الجناية الواقعة من المحارِبين كبيرة وُصغيرة، فيختار الجزاء الشديد للجناية الكبيرة والخفيف للصغيرة؛ بناه برين اقوى نرد ما تخيير حاكم بين مجازات‌های مذکور در آیه است؛ فرقی نمی‌کند مالی را گرفته باشد یا کسی را مجروح کرده باشد یا کشته باشد... بر حاکم واجب است مجازات‌های یادشده در آیه را با توجه به شدت و ضعف جنایت ارتكابی محارِبين مورد ملاحظه قرار دهد؛ پس مجازات شدید را برای جنایت‌های بزرگ و مجازات‌های سبک را برای جنایت‌های کوچک انتخاب کند (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۷۲).

کلام سید احمد خوانساری نیز ظهور در همین معنی دارد. ایشان می‌نویسد: «ظاهر الآية الشريفة التخيير كما ذكر في بعض الأخبار الصحيح أنّ «أو» في القرآن للتخيير لكن التخيير بحسب الأخبار بلحاظ نحو الجناية وعلی هذا فترتب أحكام المحارب علی مطلق من شهر السلاح بدون القيود المذكورة مشکل»؛ ظاهر آیه بر تخيير است؛ همان‌گونه که در برخی از روایت‌های صحیح‌السند آمده است که «أو» در قرآن برای تخيير است؛ ولی منظور از تخيير به حسب روایات، تخيير به لحاظ نحوه جنایت است؛ بناه بر این ترتب احکام محارب بر مطلق کسانی که تشهير سلاح کرده‌اند، بدون لحاظ نحوه جنایت ارتكابی مشکل است (خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۷، ص ۱۶۵).

به نظر می‌رسد این دیدگاه هرچند به تخيير حاکم تصریح می‌کند؛ ولی در واقع همان دیدگاه ترتیب است؛ با این تفاوت که در نحوه ترتیب و تعیین کیفر، قاضی را مخیر می‌داند که با توجه به تناسب جرم و مجازات و مصالح، مجازات مناسب را برگزیند و ترتیب مشخص ثابتی را لازم نمی‌داند.

۲-۳. ترتیبی بودن مجازات محارب

بسیاری از فقیهان مانند شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۲۰؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۵۸؛ طوسی، ۱۳۸۸ق، ج ۸، صص ۴۷-۴۸)، اسکافی (به نقل از: حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۲۵۷، مسألة ۱۱۰)، ابی‌صلاح حلبی (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۵۲)، ابن زهرة (ابن زهرة حلبی، ۱۴۱۷ق، صص ۲۰۱-۲۰۲)، ابن براج (ابن براج الطبرلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۵۳)، ابن حمزه طوسی (ابن حمزه طوسی،

۱۴۰۸ق، ص ۲۰۶)، ابن سعید حلّی (حلّی، ۱۴۰۵ق، صص ۲۴۱-۲۴۲)، قطب الدین راوندی (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۸۷)، فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۶۳۹)، نجفی (نجفی، ۱۳۶۶ق، ج ۴۱، ص ۵۷۶)، خویی (موسوی خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۱، ص ۳۸۷)، وحید خراسانی (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۴۹۹) معتقدند مجازات محارب با توجه به جرم ارتكابی وی معین می‌شود و محارب اگر کسی را کشت، کشته می‌شود و اگر مالی را برد، به مجازات قطع دست و پا محکوم می‌شود و اگر فقط موجب اخافه و ترساندن شد، به مجازات نفی بلد محکوم می‌گردد. البته در جزئیات دیدگاه‌های قائلان به ترتیب مختلف است (رک: موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۶۲).

شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۶۰) و ابن زهره (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰۱) برای این دیدگاه ادعای اجماع کرده و برخی دیگر این دیدگاه را مشهور بین قدام دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۶۶ق، ج ۴۱، ص ۵۷۶) و برخی نیز این دیدگاه را به اکثر کتب نسبت داده‌اند (فاضل هندی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۶۳۹).

۳. مستندات اقوال

هر یک از آرا و دیدگاه‌های مطرح شده در قسمت قبل به دلایلی استناد کرده‌اند که در ادامه به اختصار اشاره می‌شود.

۳-۱. مستندات دیدگاه تخییر

قائلان تخییر به «أو» در آیه ۳۳ سوره مائده و برخی از روایات استناد کرده‌اند.

۳-۱-۱. استدلال به حرف «أو» در آیه ۳۳ سوره مائده

یکی از فقیهان در کیفیت استدلال به «أو» در آیه «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده، ۳۳) می‌نویسد: اصل در کلمه «أو» نزد ادیبان عرب‌زبان بر تخییر دلالت دارد؛ مگر

قرینه‌ای برخلاف باشد که در اینجا وجود ندارد (سیزواری، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۱۲۴)؛ همچنین در روایت صحیح حریر از امام صادق علیه السلام آمده است هر چیزی که در قرآن با «أو» آمده، بر اختیار دلالت دارد: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَكُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ أَوْ فَصَاحِبُهُ بِالْإِخْتِيَارِ مَا شَاءَ» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۹۵).

افزون بر دلیل یادشده به روایت‌هایی که بر تخییر دلالت دارد، استناد کرده‌اند. دو روایت معتبر بر تخییر حاکم در انتخاب هر یک از مجازات‌های چهارگانه محارب دلالت دارد.

۲-۱-۳. روایت جمیل بن درّاج

جمیل بن درّاج می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند عز و جل: "کیفر آنان که با خدا و پیامبرش به جنگ بر می‌خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته شوند یا دست و پای آنان خلاف یکدیگر بریده شود..." پرسیدم و گفتم: کدام یک از این حدودی که خداوند نام برده، بر آنان است؟ حضرت فرمود: «آن در اختیار امام است؛ اگر بخواهد، قطع می‌کند و اگر بخواهد، به دار می‌آویزد و اگر بخواهد، تبعید می‌کند و اگر بخواهد، می‌کشد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۴۵).

سند روایت حسنه است (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۶؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۲۰۵؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۳۸۲) و دلالت روایت بر قول به تخییر تام است و حضرت انتخاب یکی از مجازات‌های چهارگانه را به امام واگذار می‌کند. چه بسا گفته شود منظور از امام، امام معصوم علیه السلام است. متبادر و قدر متیقن از امام، امام معصوم علیه السلام است و شمول آن نسبت به غیر معصوم نیازمند قرائن و شواهد است. اگر مقصود امام معصوم باشد، دلالتی بر دیدگاه تخییر ندارد؛ چون منظور از قاضی و حاکم در این دیدگاه، قاضی غیر معصوم اعم از قاضی مجتهد و مأذون است. اگر منظور از آن امام معصوم باشد، قائلان به ترتیب هم مخالفتی با آن ندارند. ظاهر لسان روایات در این مورد و اشباه و نظایر آن این است که منظور از امام در این موارد حاکم و قاضی است؛ البته قاضی‌ای که در فقه اسلامی برای قضاوت در نظر گرفته شده است.

۳-۱-۳. روایت محمد بن مسلم

محمد بن مسلم گوید: «امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که در شهری از شهرها سلاح بکشد و زخمی کند، از او قصاص و از آن شهر تبعید می‌شود و هر کس که در غیر شهرها سلاح بکشد و بزند و مجروح کند و مال ببرد، ولی نکشد، او محارب است و کیفر او، کیفر محارب و اختیار او با امام است؛ اگر خواست، او را می‌کشد و اگر خواست، به دار می‌آویزد و اگر بخواهد، دست و پایش را قطع می‌کند...^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۴۸).

سند روایت صحیح است (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۷۰؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۲۰۲؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۳۸۵؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۶۶)؛ ولی دلالت روایت در مورد تفصیل بین محاربه در درون شهر و بیرون شهر مورد اعراض فقیهان است و کسی به تفاوت حکم محارب در شهر و بیرون شهر قائل نیست. دلالت این روایت بر تخییر برای امام در فرض تحقق محاربه در خارج شهر تام است؛ هر چند آن اشکالی که در مقصود از امام در روایت جمیل وجود داشت، در اینجا نیز جریان دارد؛ اما در برابر این روایت‌ها، روایات دیگری همراه با مؤیداتی وجود دارند که بر تخییر دلالتی ندارند؛ بلکه به عکس بر رعایت تناسب یا ترتیب (تنويع) دلالت می‌کنند.

۳-۲. مستند قائلان به تخییر با وجوب رعایت تناسب جرم و مجازات

برخی از فقیهان معاصر این دیدگاه را انتخاب کرده، در خصوص مستند این دیدگاه می‌نویسد: چون تناسب جرم با مجازات چیزی است که وجدان بشر آن را می‌پذیرد و عدم رعایت تناسب بین جرم و مجازات مخالف طبع بشر و برخلاف حکمت است، بدین وسیله بین روایات دال بر تخییر و ترتیب جمع می‌کند و معتقد است روایت

۱. مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ شَهَرَ السَّلَاحَ فِي مِصْرٍ مِنَ الْأَمْصَارِ فَعَقَّرَ أَقْصَصَ مِنْهُ وَ نُفِيَ مِنْ تِلْكَ الْبَلَدَةِ وَ مَنْ شَهَرَ السَّلَاحَ فِي غَيْرِ الْأَمْصَارِ وَ ضَرَبَ وَ عَقَّرَ وَ أَخَذَ الْمَالَ وَ لَمْ يَقْتُلْ فَهُوَ مُحَارِبٌ فَجَزَاؤُهُ جَزَاءُ الْمُحَارِبِ وَ أَمْرُهُ إِلَى الْإِمَامِ إِنْ شَاءَ قَتَلَهُ وَ [إِنْ شَاءَ] صَلَبَهُ وَ إِنْ شَاءَ قَطَعَ يَدَهُ وَ رِجْلَهُ

صحیحه برید بن معاویه که در ادامه نقل می‌شود، بر این دیدگاه دلالت دارد (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۷۲).

۳-۳. مستندات قائلان به ترتیب

قائلان به ترتیب نیز به آیه محاربه و روایت‌های دال بر ترتیب استناد کرده‌اند.

۳-۳-۱. استدلال به آیه محاربه

از ابن جنید اسکافی نقل است که معتقد بوده است آیه محاربه بر ترتیب در مجازات محارب دلالت دارد؛ پس کسی که کشت، کشته می‌شود... (اسکافی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۵۱؛ حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۲۵۷). در کلام ابن جنید کیفیت استدلال به آیه بیان نشده است. قطب الدین راوندی نیز از آیه محاربه ترتیب مجازات را استفاده کرده، معتقد است که «أو» مقتضی تفصیل است. (راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، صص ۳۶۶-۳۶۷). فاضل مقداد بر راوندی اشکال می‌کند و می‌نویسد: قول راوندی عجیب است که آیه محاربه بر تفصیل دلالت می‌کند و معلوم نیست چگونه آیه بر تفصیل دلالت دارد؛ درحالی که «أو» صریح در تخییر بین مجازات‌های چهارگانه است (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵۲). به نظر می‌رسد ابن جنید اسکافی و راوندی با توجه به اینکه آیه ۳۳ سوره محاربه از قتل (يَقْتُلُوا) شروع و به نفی بلد (يُنْفُوا) ختم شده است، استفاده کردند که مجازات قتل برای جرایم سنگین و مجازات نفی برای جرایم سبک است و بدین گونه بر رعایت ترتیب ظهور دارد.

۳-۳-۲. استدلال به روایات

افزون بر استدلال فوق، قائلان به ترتیب به روایت‌های دال بر ترتیب استناد کرده‌اند. هشت روایت بر لزوم ترتیب و لزوم رعایت تناسب بین جرم و مجازات در محاربه دلالت دارد که بیشتر از نظر سندی ضعیف هستند (رک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۴۶ و حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۸، ص ۳۱۳) و تنها دو روایت از نظر سند و دلالت تمام هستند که در ادامه

بیان می‌شود؛ هر چند بنا بر برخی مبانی، ضعف سند روایت با عمل مشهور قدما جبران پذیر است.

۱-۲-۳-۳. روایت بُرید بن معاویه

برید بن معاویه گوید: «مردی از امام صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند عز و جل: "تنها کیفر آنان که با خدا و رسولش به جنگ بر می‌خیزند"، پرسید. حضرت فرمود: آن در اختیار امام است؛ هر چه بخواهد با او می‌کند. پرسیدم: پس این به امام واگذار شده است؟ حضرت فرمود: نه، ولی نحوه جنایت؛ (یعنی امام باید ببیند که او چه کرده است و با توجه به جنایت ارتكابی مجازات محارب معین می‌شود)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۴۶).

سند روایت صحیح است (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۲۰۳؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۳۸۳) و دلالت آن نیز بر رعایت تناسب میان جنایت و مجازات صراحت دارد و امام با نفی اینکه انتخاب مجازات به طور مطلق به امام واگذار شده است، تصریح می‌کند که انتخاب مجازات باید با توجه به نحوه جنایت ارتكابی محارب باشد.

۲-۲-۳-۳. روایت حسان از امام جواد علیه السلام

امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «کسی که با خدا بجنگد و مال ببرد و بکشد، باید کشته و به دار آویخته شود و کسی که بجنگد و بکشد؛ ولی مالی نبرد، باید کشته شود؛ ولی به دار آویخته نشود و کسی که بجنگد و مال ببرد، ولی نکشد، بر اوست که دست و پایش به عکس یکدیگر قطع شود و کسی که بجنگد، ولی مالی نبرد و نکشد، او باید تبعید شود...» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۸، ص ۳۱۳).

به تصریح برخی از فقیهان سند روایت حسن یا صحیح است (موسوی خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۱، ص ۳۸۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲ق، ص ۶۵۷؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۷۰)؛ چون منظور از «علی بن حسان» که از امام جواد علیه السلام نقل می‌کند، علی بن حسان واسطی است که ممدوح، بلکه ثقه است؛ نه علی بن حسان هاشمی که کذاب است.

۴. ارزیابی ادله دوطرف و آیات دال بر رعایت تناسب در تعیین مجازات

دوطرف ادعا به آیه محاربه به عنوان یکی از ادله استناد کرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد دلالت «أو» بر تخییر بیش از تفصیل است و قائلان به دلالت آیه بر تفصیل استدلالی ارائه نکرده‌اند. موافقان تخییر و ترتیب هر دو به روایات باب استناد کرده‌اند و در هر دو گروه از روایات، روایت‌های صحیح‌السند وجود دارد و از این رو با توجه به تعارض روایت‌ها باید به سراغ مرجحات رفت. در ادامه در چند بند این مطلب را پی می‌گیریم.

۴-۱. نص بودن روایت‌های دال بر ترتیب و ظاهر بودن روایت‌های دال بر تخییر

آیت الله خوئی روایات دال بر ترتیب (صحیح‌ه برید و علی بن حسان) را نص و روایت‌های دال بر تخییر (صحیح جمیل بن دراج، صحیح محمد بن مسلم و معتبره مهران) را ظاهر می‌داند و نص را مقدم بر ظاهر دانسته است؛ از این رو قائل به ترتیب شده است (موسوی خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۱، ص ۳۸۷)؛ اما موافقان تخییر معتقدند در فرض تعارض روایات دال بر تخییر و ترتیب، روایت‌های تخییر به دلیل موافقت با آیه محاربه ترجیح دارند؛ چون «أو» در آیه دال بر تخییر است. به نظر می‌رسد اولاً، «أو» در همه آیات قرآن بر تخییر دلالت ندارد و به معنای شک «قَالُوا لَيْسَ بِيَوْمٍ فَاسَّأَلِ الْعَادِّينَ» (مؤمنون، ۱۱۳) و ابهام «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سبأ، ۲۴) آمده است و اهل لغت برای «أو» دوازده معنا بر شمرده‌اند (جمعی از اساتید مدارس حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۷۰).

ثانیاً «أو» در آیه محاربه در تخییر به معنای انتخاب دلبخواه هر یک از مجازات‌های چهارگانه ظهور ندارد و تنها در مقام بیان این نکته است که مجازات محارب یکی از این مجازات‌های چهارگانه است و اینکه آیا لازم است تناسب بین جرم و جنایت رعایت شود یا نه، در مقام بیان نبوده است و دلالتی ندارد.

ثالثاً، با توجه به اینکه آیه ۳۳ سوره محاربه از قتل (يُقْتَلُوا) شروع شده و به نفی بلد (يُنْفَوُا) ختم شده است، می‌توان گفت آیه بر این معنا ظهور دارد که مجازات قتل برای

جرایم سنگین و مجازات نفی برای جرایم سبک است و بدین گونه آیه بر رعایت ترتیب ظهور دارد.

رابعاً، حداکثر دلالت «أو» ظهور در تخییر است که اولاً، ظهور محل نقد است؛ ثانیاً این ظهور ادعایی معارض با نصوص آیات و روایت‌های متعددی است که بر لزوم تناسب میان جرم و مجازات صراحت دارد و نمی‌توان آیه محاربه را به گونه‌ای تفسیر کرد که برخلاف نصوص آیات دیگر باشد؛ ثالثاً، آیات و روایت‌های دال بر لزوم تناسب میان جرم و مجازات آبی از تخصیص و تقیید است؛ چون به تصریح برخی از مفسران رعایت‌نشدن تناسب و زیادت مجازات بر استحقاق ظلم است (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۵، ص ۱۵۸) و حرمت عقلی و شرعی ظلم روشن است و به تصریح برخی دیگر از فقیهان رعایت‌نشدن تناسب بین جرم و مجازات مخالف با طبع بشر است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۷۲)؛ بنابراین نمی‌توان گفت موافقت با قرآن یکی از مرجحات دیدگاه تخییر است.

۱۵۳



۲-۴. آیات دلالت‌کننده بر رعایت تناسب میان جرم و مجازات (موافقت قول به ترتیب یا

رعایت تناسب با قرآن)

با بررسی دقیق آیات قرآن کریم می‌توان گفت دیدگاه ترتیب و لزوم رعایت تناسب میان جرم و مجازات محارب موافق با قرآن است؛ چون در هشت آیه قرآن بر رعایت تناسب میان جرم و مجازات تصریح شده است و فقیهان و مفسران به این آیات برای تناسب بین جرم و مجازات استناد کرده‌اند؛ از جمله آیاتی که برای تناسب جرم و مجازات به آن استناد کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۶۰۷)، آیه ۴۰ سوره شوری است: «وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا»؛ کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن. برخی از مفسران از آیه استفاده کرده‌اند که مقدار مجازات نباید از میزان جرم ارتكابی شدیدتر باشد (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۰، ص ۱۹۴). به نظر یکی دیگر از مفسران خداوند متعال در آیه پیش‌گفته تناسب میان جرم و مجازات را شرط کرده است. آیه به این معناست که مجازات باید همانند جرم باشد (زحلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۵، ص ۸۴). ایشان معتقد است در اسلام در تمامی مجازات‌ها

رعایت این تناسب واجب است (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۵، ص ۸۴)؛ چون تحمیل مجازات زاید بر استحقاق مرتکب، ظلم است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۵۸).

از دیگر آیات استنادشده برای تناسب جرم و مجازات، آیه ۱۹۴ سوره بقره است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۱۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۵، ص ۸۵). خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَيْنَا فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَيْنَا»؛ و (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید. در این آیه فقط به میزان جرم ارتكابی، اجازه مجازات داده شده است. یکی دیگر از آیاتی که برای رعایت تناسب جرم و مجازات به آن استشهد شده، آیه ۱۲۶ سوره نحل است (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۴۷۴؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۱۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۵، ص ۸۵). خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ؛ و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده، کیفر دهید».

برخی از دانشیان حقوق، آیات ۲۷ سوره یونس و آیه ۴۰ سوره غافر را از مستندات اصل تناسب دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۲۲؛ یزدیان جعفری، ۱۳۹۱، ص ۲۷۳). قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا» (یونس، ۲۷). به نظر برخی از مفسران در ذیل این آیه، جزای هر معصیتی، مجازات مناسب با آن سیئه است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۵۷؛ طبیب، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۳۷۳؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۳۷۱). در برخی از منابع تفسیری مجازات مثل سیئه به مجازات مناسب با آن سیئه تفسیر شده است (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۹۶۳). در آیه ۴۰ سوره غافر نیز آمده است: «مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا». ظهور این آیه نیز بر تناسب جرم و مجازات تام است؛ همچنین برخی دیگر افزون بر آیات ۲۷ سوره یونس و ۴۰ سوره غافر، به آیات «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا»؛ «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» و «جَزَاءُ وِفَاقًا» نیز استناد کرده‌اند (ساریخانی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵). نیز آیه «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» (اسراء، ۳۳) که اسراف در قتل را نفی می‌کند، می‌تواند دلیلی بر لزوم رعایت تناسب میان جرم و مجازات باشد؛ چون رعایت نشدن تناسب میان جرم و مجازات زیاده‌روی و اسراف است؛ بنابراین با تأکید آیات متعدد قرآن بر لزوم رعایت تناسب میان جرم و مجازات، روایت‌های دال بر ترتیب موافق با قرآن است، نه روایات

دال بر تخییر. افزون بر موافقت روایات دال بر ترتیب با آیات مربوط به رعایت تناسب جرم و مجازات، این دسته از روایت‌ها با تصریح‌های مکرر قرآن بر لزوم عدالت و پرهیز از ظلم نیز موافقت دارد؛ چون همان‌گونه که در آرای برخی از مفسران آمده است، اعمال مجازات نامتناسب با جرم ظلم است؛ همچنین شمار روایات دال بر ترتیب بیش از روایت‌های دال بر تخییر هستند و شهرت قدمایی و ادعای اجماع نیز با روایات ترتیب موافق است.

۳-۴. موافقت قول به ترتیب یا رعایت تناسب با قاعده احتیاط در دماء و قاعده درء

قواعد عمومی فقهی همچون احتیاط در دماء و قاعده درء نیز موافق روایات ترتیب است. به یقین ادله ترتیب اعم از آیات دال بر رعایت تناسب جرم و مجازات، دو روایت صحیح‌السند دال بر ترتیب، نص بودن روایات ترتیب به نسبت ظهور روایات تخییر، ادعای اجماع و وجود شهرت قدمایی و موافق بودن رعایت تناسب با ارتکاز عقلایی و طبع بشر در حدی هست که موجب شبهه شود و موجب گردد رعایت تناسب بین جرم و مجازات در محاربه الزامی گردد. اگر تناسب جرم و مجازات در محاربه رعایت شود، طبق دیدگاه همه فقیهان این حکم صحیح و مطابق موازین شرع است؛ ولی اگر تناسب رعایت نشود و به صرف اخافه کسی اعدام شود، دست کم به نظر بسطری از فقیهان این حکم برخلاف موازین شرع است؛ بنابراین از مجموع ادله لزوم رعایت تناسب میان جرم و مجازات محاربه استفاده می‌شود و براین اساس پیشنهاد اصلاح قانون مجازات اسلامی داده می‌شود.

۴-۴. قول به ترتیب و توجه به موقعیت، وضعیت و شخصیت مجرم

اشکال قابل طرح بر دیدگاه ترتیبی این است که در این دیدگاه به شخصیت مجرم، وضعیت خطرناک مجرم و سوابق مجرمانه محارب توجهی نمی‌شود؛ یعنی هر چند محاربی که دستگیر شده، تنها موجب اخافه شده است، حالت خطرناک دارد و تعیین مجازات نفی بلد که براساس دیدگاه ترتیب مجازات این رفتار است، بازدارندگی لازم

را ندارد؛ در حالی که بر مبنای دیدگاه تخییر هر چند محارب فعلاً موجب آسیب به شخصی نشده است، ولی قاضی می‌تواند به علت وجود شخصیت خطرناک و یا احتمال ارتکاب جرایم سنگین در آینده یا برای ارباب دیگران مجازات اعدام در نظر بگیرد و دیدگاه ترتیب دست دادگاه را برای مجازات‌های اعدام می‌بندد؛ به بیان دیگر اشکال مطلب این بود که اصل تناسب را قبول داریم؛ ولی معنای آن عدم تخییر در آیه شریفه نیست؛ چون مجازات به حسب موقعیت زمانی و مکانی و نوعیت افراد می‌تواند متفاوت در شدت و ضعف باشد؛ به بیان دیگر تناسب گاه عرفی و عقلایی است، ولی شاید در واقع متناسب نباشد؛ پس قول تخییر قوی‌تر است؛ چون حاکم تناسب را به حسب مورد بررسی می‌کند.

اولاً، در دیدگاه تخییر هیچ ضابطه‌ای برای اعمال مجازات محارب وجود ندارد و از همین رو خطر تهاجم به دماء و اعمال مجازات‌های بی‌ضابطه در این دیدگاه شدید است؛ یعنی به صرف اینکه در این دیدگاه دست دادگاه برای مجازات سنگین باز است و دادگاه می‌تواند تناسب را به طور موردی بررسی کند، توجیه مناسبی برای عدول از دیدگاه ترتیب و رجحان دیدگاه تخییر نمی‌شود. در دیدگاه تخییر براساس چه ضابطه تعریف شده‌ای می‌توان کسی را که فقط مرتکب اخافه مردم شده است، به مجازات اعدام و کسی را که مرتکب چندین مورد قتل و غارت شده است، به تبعید محکوم کرد؟ آیا منطقی است که تعیین اعدام یا تبعید بدون هیچ ضابطه‌ای در اختیار دادگاه قرار داده شود و گفته شود خود دادگاه همه موارد تناسب را بررسی کند؟ وقتی هیچ ضابطه‌ای وجود ندارد، با چه معیاری حکم دادگاه قابل سنجش است که تناسب مجازات با جرم ارتكابی و شخصیت مجرم لحاظ شده است؟ اگر بنا باشد موقعیت زمانی و مکانی و شخصیت مجرم هم در کنار تناسب جرم و مجازات لحاظ شود، راه آن کنار زدن دیدگاه ترتیب و اصل رعایت تناسب جرم و مجازات نیست؛ بلکه می‌توان در دیدگاه ترتیب یکی از شاخص‌های تعیین کیفر را سوابق مجرمانه محارب قرار داد؛ برای مثال مجازات نفی بلد از یک سال شروع می‌شود و نهایتی برای آن تعریف نشده است و به اختیار حاکم است؛ یعنی دادگاه می‌تواند با لحاظ

وضعیت و شخصیت مجرم، مدت تبعید را از یک سال تا پنجاه سال معین کند. ثانیاً، قصاص قبل از جنایت ممنوع است و نمی‌توان کسی را به صرف آن که حالت خطرناک دارد و ممکن است در آینده مرتکب جرایم سنگین شود، به مجازاتی سنگین‌تر از جرم ارتكابی محکوم کرد. ثالثاً، نمی‌توان اصل تناسب را قبول کرد و در عین حال به آن پایبند نبود و به اعتبار برخی از مصلحت‌اندیشی‌های بدون ضابطه، دست دادگاه را برای اعمال هر مجازاتی باز گذاشت.

نتیجه‌گیری

۱. حداکثر دلالت «أو» در آیه ۳۳ سوره مائده، ظهور بدوی در تخییر است. اولاً، این ظهور با توجه به ترتیب مجازات‌های محارب از اشدّ به اخف محل تأمل است؛ به همین دلیل برخی از فقیهان آن را نپذیرفته‌اند؛ ثانیاً این ظهور بدوی با نصوص آیات و روایات متعددی معارض است که بر لزوم تناسب میان جرم و مجازات صراحت دارد و نمی‌توان آیه محاربه را به گونه‌ای تفسیر کرد که برخلاف نصوص آیات دیگر باشد؛ ثالثاً، آیات و روایات دال بر لزوم تناسب میان جرم و مجازات آبی از تخصیص و تقیید است؛ چون به تصریح برخی از مفسران رعایت نشدن تناسب و زیادت مجازات بر استحقاق، ظلم است و حرمت عقلی و شرعی ظلم روشن است؛ همچنین رعایت نشدن تناسب میان جرم و مجازات با طبع بشر مخالف است.

۲. روایت‌های به نسبت زیادی داریم که بر رعایت ترتیب در انتخاب کیفر محارب دلالت دارد. این دسته از روایت‌ها که به لحاظ عددی بیشتر از روایات دال بر تخییر صرف هستند، خود موافق با آیات متعددی است که بر رعایت تناسب جرم و مجازات دلالت دارند و همچنین آیاتی که به اجرای عدالت و پرهیز از ظلم دستور می‌دهند.

۳. در خصوص روایت‌های باب محاربه، روایت‌های رعایت ترتیب و یا تناسب میان جرم محاربه و نوع کیفر انتخابی، از چند جهت نسبت به روایات باب تخییر در انتخاب کیفر محارب ترجیح دارند؛ از جهت کمی شمار آنها بیشتر است؛ از حیث کیفیت

دلالت، نص هستند؛ همچنین دارای شهرت قدمایی اند و در نهایت نیز در میان قداما در قول به ترتیب ادعای اجماع شده است.

۴. انتخاب قول به ترتیب یا رعایت تناسب موافق با قواعد کلی فقهی از جمله قاعده احتیاط در دماء و قاعده درء می باشد؛ بنابراین حتی اگر به تخییر قائل شدیم، باید گفته شود قاضی در انتخاب باید تناسب جرم و مجازات را رعایت کند؛ به عبارتی رعایت تناسب می تواند مکمل و در راستای قول به تخییر قرار بگیرد و تنافی بین آنها نباشد.



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المذهب (ج ۲ و ۵). قم: نشر اسلامی.
۲. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی بن حمزة. (۱۴۰۸ق). الوسيلة الى نيل الفضيله (محقق: محمد الحسون). قم: کتابخانه مرعشی نجفی علیه السلام.
۳. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی. (۱۴۱۷ق). غنية النزوع الى علمی الاصول والفروع (محقق: ابراهیم بهادری). قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۴. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم. (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه (محقق: رضا استادی). اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامة.
۵. اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد کاتب بغدادی. (۱۴۱۶ق). مجموعه فتاوی ابن جنید (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. امام خمینی، سیدروح الله موسوی. (۱۳۹۰ق). تحرير الوسيله (ج ۲). النجف الاشرف: مطبعة الآداب.
۷. جمعی از اساتید مدارس حوزة علمیه قم. (۱۳۷۸). مغنی الادیب (ج ۱). قم: نهاوندی.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه (ج ۲۸). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۹. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۶ق). الفقه، السلم و السلام (چاپ اول). بیروت: دارالعلوم للتحقیق والطباعة والنشر والتوزیع.
۱۰. حلّی، جعفر بن الحسن. (۱۴۰۹ق). شرائع الاسلام (ج ۴). تهران: انتشارات استقلال.
۱۱. حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی. (۱۴۰۷ق). المذهب البارع فی شرح المختصر النافع (ج ۵، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۸ق). مختلف الشیعة فی احکام الشریعه (ج ۹). قم: نشر اسلامی.

۱۳. حلی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵ق). الجامع للشرائع (محقق: گروهی از فضلاء). قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
۱۴. حلی، ابن ادريس، محمد بن منصور. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى (ج ۳، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. خوانساری، سید احمد. (۱۳۵۵). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع (ج ۷). تهران: مکتبه الصدوق.
۱۶. دیلمی، حمزة بن عبدالعزیز. (۱۴۱۴ق). المراسم العلویة فی الاحکام النبویة (محقق: سید محسن حسینی امینی). قم: المعاونة الثقافية للمجمع العالمي لاهل البيت علیهم السلام.
۱۷. راوندی، قطب، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام (محقق: سید احمد حسینی، ج ۱ و ۲). قم: کتابخانه مرعشی نجفی علیه السلام.
۱۸. زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج (ج ۲۵). بیروت: دارالفکر المعاصر.
۱۹. زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۲۲ق). التفسیر الوسیط. دمشق: دارالفکر.
۲۰. ساریخانی، عادل. (۱۳۸۵). حقوق جزای عمومی اسلام (چاپ سوم). تهران: انتشارات پیام نور.
۲۱. سبزواری، سید عبدالاعلی. (بی تا). مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام (محقق: مؤسسه المنار، ج ۲۸). قم: دفتر آیت الله سبزواری.
۲۲. شاکر اشتیجه، محمد حسین و روستایی صدرآبادی، حمید. (۱۴۰۰). کنکاشی در شیوه اجرای مجازات های محارب و همسان سازی چگونگی انتخاب مجازات ترتیبی یا تخییری. پژوهش های فقهی، ۱۷(۳)، صص ۷۷۱ - ۸۰۰.
۲۳. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی. (۱۴۱۴ق). غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد (ج ۴، چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۴. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۵ق). المقنع. قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام.
۲۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۸ق). الهدایة فی الأصول و الفروع (چاپ اول). قم:

مؤسسه امام هادی علیه السلام

۲۶. طباطبایی، سید علی. (۱۴۰۴ق). ریاض المسائل (ج ۱۰). قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۵). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار (ج ۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۵، چاپ اول). قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸ق). المبسوط فی فقه الامامیه (محقق: محمدباقر بهبودی، ج ۸). بی جا: المكتبة المرتضویه.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی (چاپ دوم). بیروت: دار الكتاب العربی.
۳۲. طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (ج ۶). تهران: انتشارات اسلام.
۳۳. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۲ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود (چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۳۴. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری. (۱۴۱۹ق). کنز العرفان فی فقه القرآن (محقق: سید محمد قاضی، ج ۲). تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳۵. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). کشف اللثام عن قواعد الاحکام (ج ۱۰). قم: نشر اسلامی.
۳۶. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (ج ۲۷). (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن (ج ۲۰). بیروت: دارالملاک.
۳۸. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور (ج ۱۰). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۳۹. کاشانی، فتح الله. (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین (ج ۴). تهران: کتاب فروشی علمی.
۴۰. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۷، چاپ چهارم). تهران: دار

الکتاب الإسلامية.

۴۱. مجاهد، محمد ابراهیم، عابدینی نجف آبادی، احمد و پنجه پور، جواد. (۱۴۰۱). سیری اجمالی در مبانی فقهی تخییر و ترتیب در رابطه با کیفیت مجازات محارب. فصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۵ (۲۹)، صص ۴۸-۷۰.
۴۲. مجلسی اول، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه (محققان: موسوی کرمانی، اشتهااردی، طباطبایی، ج ۱۰). قم: مؤسسه فرهنگ اسلامی کوشانپور.
۴۳. مجلسی دوم، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ج ۲۳، چاپ دوم). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۴. محبوبی زرگریان، سید نصرالله؛ فاطمی نیا، طه. (۱۳۹۶). لزوم رعایت ترتیب در اجرای مجازات محارب. فقه، ۲۴ (۹۲)، صص ۷-۲۸.
۴۵. محقق داماد، مصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (ج ۴). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۶. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین. (۱۴۰۶ق). منهاج المؤمنین (ج ۲، چاپ اول). قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی رحمته.
۴۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. (۱۴۱۳ق)، المقتنعه (چاپ اول). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته.
۴۸. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم. (۱۴۲۷ق). فقه الحدود والتعزیرات (ج ۳، چاپ دوم). قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید رحمته.
۴۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج (ج ۴۱، چاپ اول). قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی رحمته.
۵۰. نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۶). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (محقق: قوچانی، ج ۴۱). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۱. وحید خراسانی، حسین. (۱۴۲۸ق). منهاج الصالحین (ج ۳). قم: مدرسه امام باقر رحمته.
۵۲. یزدیان جعفری، جعفر. (۱۳۹۱). چرایی و چگونگی مجازات (چاپ اول). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

References

* The Holy Quran

1. A Group of Teachers from the Qom Seminary. (1999). *Mughni al-Adib* (Vol. 1). Qom: Nahavandi. [In Arabic]
2. Abu Salah Halabi, T. N. (1983). *Al-Kafi fi al-Fiqh* (R. Ostadi, ed.). Isfahan: Imam Amir al-Mu'minin Ali Library. [In Arabic]
3. Dailami, H. A. (1994). *Al-Marasim al-'Alawiyyah fi al-Ahkam al-Nabawiyyah* (S. M. H. Amine, ed.). Qom: Cultural Cooperation of the Ahl al-Bayt World Assembly. [In Arabic]
4. Fadil Hindi, M. H. (1999). *Kashf al-Litham 'an Qawa'id al-Ahkam* (Vol. 10). Qom: Islamic Publishing. [In Arabic]
5. Fadil Lankarani, M. (2001). *Tafsir al-Sharia fi Sharh Tahrir al-Wasilah - Al-Hudud* (1st ed.). Qom: Ahl al-Bayt Jurisprudential Center. [In Arabic]
6. Fadil Miqdad, M. A. S. (1998). *Kanz al-Irfan fi Fiqh al-Quran* (S. M. Qazi, ed., Vol. 2). Tehran: World Assembly for Proximity of Islamic Schools of Thought. [In Arabic]
7. Fadlallah, M. H. (1998). *Tafsir Min Wahy al-Quran* (Vol. 20). Beirut: Dar al-Malak. [In Arabic]
8. Fakhr Razi, M. O. (1999). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)* (Vol. 27). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
9. Ghara'ati, M. (2004). *Tafsir Nur* (Vol. 10). Tehran: Quran Lessons Cultural Center. [In Persian]
10. Helli, A. M. A. (1987). *Al-Muhadhdhab al-Bari' fi Sharh al-Mukhtasar al-Nafi'* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
11. Helli, H. Y. (1997). *Mukhtalif al-Sh'fa fi Ahkam al-Shar'fa* (Vol. 9). Qom: Islamic Publishing. [In Arabic]
12. Helli, J. (1989). *Sharā'i' al-Islam* (Vol. 4). Tehran: Esteghlal Publishing. [In Arabic]
13. Helli, Y. S. (1985). *Al-Jami' li al-Sharā'i'* (Group of Scholars, ed.). Qom: Seyyed al-Shuhada Institute. [In Arabic]

14. Hosseini Shirazi, S. M. (2005). *Al-Fiqh, Al-Silm wa al-Salam* (1st ed.). Beirut: Dar al-Ulum for Research, Printing, Publishing and Distribution. [In Arabic]
15. Hur Ameli, M. H. (1994). *Wasā'il al-Shfā* (Vol. 28). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
16. Ibn Baraq Tarablsi, A. (1986). *Al-Muhadhdhab* (Vols. 2 & 5). Qom: Islamic Publishing. [In Arabic]
17. Ibn Hamzeh Tusi, M. I. A. H. (1988). *Al-Wasila ila Nayl al-Fadila* (M. Hassoun, ed.). Qom: Marashi Najafi Library. [In Arabic]
18. Ibn Idris Helli, M. M. (1990). *Al-Sarā'ir al-Hāwi li Tahrīr al-Fatāwa* (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
19. Ibn Zohreh Halabi, H. I. A. (1996). *Ghunyat al-Nuzū' ila 'Ilmi al-Uṣūl wa al-Furū'* (I. Bahadori, ed.). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
20. Imam Khomeini, R. M. (1970). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2). Najaf: Adab Press. [In Arabic]
21. Kashani, F. (1957). *Tafsir Minhaj al-Sadiqin* (Vol. 4). Tehran: Scientific Bookstore. [In Persian]
22. Khwansari, S. A. (1976). *Jāmi' al-Madārik fi Sharh Mukhtasar al-Nāfi'* (Vol. 7). Tehran: Saduq Library. [In Arabic]
23. Kulayni, M. Y. (1986). *Al-Kafi* (Vol. 7, 4th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
24. Mahbubi Zargariyan, S. N., & Fatemi Nia, T. (2017). Necessity of Observing Order in the Execution of Punishments for Moharebeh. *Fiqh*, 24(92), pp. 7-28. [In Persian]
25. Majlesi I, M. T. (1986). *Rawdat al-Muttaqin fi Sharh Man la Yahduruhu al-Faqih* (M. Kermani, A. Eshtihardi, & A. Tabataba'i, eds., Vol. 10). Qom: Islamic Culture Institute of Kushanpour. [In Arabic]
26. Majlesi II, M. B. (1984). *Mir'at al-Uqul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul* (Vol. 23, 2nd ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
27. Marashi Najafi, S. S. (1986). *Minhaj al-Mu'minin* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Marashi Najafi Library. [In Arabic]

28. Mofid, M. (1992). *Al-Muqni'ah* (1st ed.). Qom: Sheikh Mufid International Congress. [In Arabic]
29. Mohaghegh Damad, M. (1986). *Qawa'id al-Fiqh* (Vol. 4). Tehran: Center for Publishing Islamic Sciences. [In Persian]
30. Mujahed, M. A., Najafabadi, A., & Panjehpour, J. (2022). A Brief Review of Jurisprudential Foundations of Discretionary and Sequential Punishments. *Islamic Jurisprudential Foundations Quarterly*, 15(29), pp. 48-70. [In Persian]
31. Musavi Ardebili, A. K. (2006). *Fiqh al-Hudud wa al-Ta'zirat* (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Mofid University Publishing. [In Arabic]
32. Musavi Khoei, A. (2001). *Mabani Takmilat al-Minhaj* (Vol. 41, 1st ed.). Qom: Revival of Imam Khoei's Works Institute. [In Arabic]
33. Najafi, M. H. (1987). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam* (M. M. Ghoochani, ed., Vol. 41). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
34. Rawandi, Q. S. (1985). *Fiqh al-Quran fi Sharh Ayat al-Ahkam* (S. A. Hosseini, ed., Vols. 1 & 2). Qom: Marashi Najafi Library. [In Arabic]
35. Sabzevari, S. A. (n.d.). *Muḥadhdhab al-Ahkām fi Bayān al-Halāl wa al-Ḥarām* (Al-Manar Institute, ed., Vol. 28). Qom: Ayatollah Sabzevari Office. [In Arabic]
36. Saduq, M. A. (1995). *Al-Muqni'*. Qom: Imam Hadi Institute. [In Arabic]
37. Saduq, M. A. B. (1997). *Al-Hidayah fi al-Usul wa al-Furū'* (1st ed.). Qom: Imam Hadi Institute. [In Arabic]
38. Sarikhani, A. (2006). *General Criminal Law of Islam* (3rd ed.). Tehran: Payam Noor Publications. [In Persian]
39. Shahid Awal, M. J. (1994). *Ghayat al-Murad fi Sharh Nukat al-Irshad* (Vol. 4, 1st ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
40. Shakir Ashtijeh, M. H. S., & Sadrabadi, H. R. (2021). An Inquiry into the Implementation Methods of Punishments for Moharebeh and Harmonizing the Selection of Sequential or Discretionary Punishments. *Jurisprudential Research*, 17(3), pp. 771-800. [In Persian]
41. Skafi, I. J. (1995). *Majmu'at Fatawa Ibn Junayd* (1st ed.). Qom: Islamic

- Publications Office. [In Arabic]
42. Tabarsi, F. (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 5). Tehran: Naser Khusraw Publishing. [In Arabic]
43. Tabataba'i, S. A. (1984). *Riyad al-Masa'il* (Vol. 10). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
44. Tayyib, S. A. (1999). *Atiyab al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 6). Tehran: Islam Publishing. [In Persian]
45. Tusi, M. H. (1968). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah* (M. B. Behbudi, ed., Vol. 8). Muradawi Library. [In Arabic]
46. Tusi, M. H. (1970). *Al-Istibsar* (Vol. 2). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
47. Tusi, M. H. (1980). *Al-Nihayah fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatāwā* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
48. Tusi, M. H. (1987). *Al-Khilaf* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
49. Wahid Khorasani, H. (2006). *Minhaj al-Salihin* (Vol. 3). Qom: Imam Baqir School. [In Arabic]
50. Yazdian Jafari, J. (2012). *The Reasoning and Methodology of Punishments* (1st ed.). Tehran: Institute for Research in Islamic Culture and Thought Publishing. [In Persian]
51. Zuhayli, W. (1997). *Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqidah wa al-Shari'ah wa al-Manhaj* (Vol. 25). Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'asir. [In Arabic]
52. Zuhayli, W. (2001). *Al-Tafsir al-Wasit*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]